

DOI: [10.30512/KQ.2021.10457.2253](https://doi.org/10.30512/KQ.2021.10457.2253)

نقد و تحلیل توثیقات رجالی شیخ عباس قمی (ره) در «سفینه البحار»*

عباس حویدر^۱

کمال صحرائی اردکانی^۲

حمید حمیدیان^۳

علی محمد میرجلیلی^۴

چکیده

از آثار ارزشمند شیخ عباس قمی (ره) کتاب «سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار مع تطبیق النصوص الواردة فیها علی بحار الانوار» است که در هشت جلد به صورت الفبایی نگاشته شده است. ایشان این کتاب را به عنوان فهرست و معجمی برای کتاب «بحار الانوار» علامه مجلسی در بیست سال نوشته است. نوشته حاضر متکفل استخراج و تحلیل توثیقات رجالی شیخ عباس قمی (ره) در «سفینه البحار» است. این مقاله بر اساس منابع کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی نگاشته شده است. با توجه به علاقه و تخصص بالای شیخ عباس در زمینه تراجم و اعلام، مشاهده می‌شود که بیشتر حجم کتاب به شرح حال بزرگان و دانشمندان اختصاص یافته و در این میان، به ملاک‌های مختلف توثیق راویان در اثنا مطالب خود نیز پرداخته است، مانند: تصریح معصومین (ع)، اصحاب اجماع، ترحم و همنشینی و وکالت معصوم (ع) و... . محدث قمی در توثیق راویان، از کتب رجال و تراجم استمداد کرده، هرچند در بیشتر موارد به آن کتب ارجاع نمی‌دهد.

واژگان کلیدی: شیخ عباس قمی، سفینه البحار، توثیقات رجالی.

* تاریخ ارسال: ۱۳۹۷/۰۶/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۰۱ (مقاله پژوهشی)

۱. دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران / hoveydarabbas@yahoo.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران (نویسنده مسئول) / k_sahraei@meybod.ac.ir

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران / hamidiyan@meybod.ac.ir

۴. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران / almirjalil@meybod.ac.ir

۱ - مقدمه

حاج شیخ عباس قمی (ره) فرزند شیخ محمدرضا معروف به محدث قمی (ره)، در سال ۱۲۹۴ ق در شهرستان قم دیده به جهان گشود. مقدمات و سطوح حوزه را در قم به پایان برد و سپس، وارد حوزه علمیه نجف شد. از جمله اساتید ایشان می‌توان آیت الله حاج میرزامحمد ارباب قمی (م. ۱۳۴۱ ق)، آیت الله سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی صاحب کتاب «عروة الوثقی» (م. ۱۳۳۷ ق) و حاج میرزاحسین نوری (م. ۱۳۲۰ ق) را نام برد (کمیته علمی کنگره شیخ عباس قمی، ۱۳۸۹، صص ۳۰-۲۹). به سبب علاقه وافر ایشان به علوم حدیثی، رجال، درایه و تراجم، از درس محدث نوری بهره وافر برد و ملازم او بود و در نوشتن کتاب «مستدرک الوسائل» او را یاری نمود و از ایشان اجازه نقل حدیث دریافت کرد. از علمای بزرگی چون سیدحسن صدر مؤلف «تأسیس الشیعة لعلوم الاسلام» و مرحوم میرزامحمد ارباب و دیگران نیز به دریافت اجازه موفق گردید (قمی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۹). سرانجام در شب سه‌شنبه دوم بهمن ۱۳۱۹ شمسی به دیار ابدی شتافت (کمیته علمی کنگره شیخ عباس قمی، ۱۳۸۹، ص ۷).

شیخ عباس قمی (ره) از چهره‌های درخشان در عرصه کتاب‌نویسی و تألیف است. وی بیش از یکصد جلد کتاب در موضوعات مختلف علمی و ادبی و تاریخی و مذهبی، تألیف و ترجمه کرد که در ذیل نمونه‌هایی را ذکر می‌کنیم:

«سفینة البحار و مدینة الحکم و الآثار» که به منزله فهرست و مختصر «بحار الانوار» است و به صورت حرف تهجی ترتیب یافته است، «منتهی الامال»، «مفاتیح الجنان» که بعد از قرآن شریف بیشترین تیراژ کتاب‌های چاپی دنیای شیعه را تشکیل می‌دهد. «الانوار البهیة»، «تمة المنتهی»، «منازل الاخرة»، «الفوائد الرضویة»، «تحفة الاحباب»، «الکنی و الالقاب»، «غایة القصوی»، «نزهة النواظر»، «چهل حدیث»، «الفوائد الرجیبیة»، «بیت الاحزان» و ...

«سفینة البحار» از بهترین آثار به جامانده از شیخ عباس قمی است. ایشان آن را در جهت آسان نمودن مراجعه به «بحار الانوار» نوشته است. وی برای نوشتن آن، دو دوره کل «بحار الانوار» علامه مجلسی را مطالعه کرده بود. در «سفینة البحار» حدود ۱۲۰۰۰ حدیث اعم از تکراری و غیر تکراری موجود است.

اهمیت اثبات صدور روایت از معصوم، حدیث‌شناسان را بر آن داشت تا برای حل این مشکل و پاسخ‌گویی به آن، علوم را بنیان نهند. از مهمترین این علوم، علم رجال و راوی‌شناسی است که متکفل بررسی احوال راویان اسناد روایات از جهت ذات و وصف از قبیل، عدالت و عدم عدالت، ثقه و غیر ثقه، ممدوح و غیر ممدوح و یا مهمل و مجهول بودن است و نیز اطلاع از اساتید، شاگردان و معاصرین راویان و اینکه راوی در چه طبقه‌ای قرار دارد تا روایات مرسل و مسند مشخص گردد و راویان مشترک از غیر آن تفکیک شود و امور دیگر از این قبیل که قبول حدیث به آن بستگی دارد (سبحانی، ۱۴۲۸، ص ۱۱).

منظور از توثیقات رجالی، اصول و قواعدی است که محدث به کمک آن‌ها پی به اعتبار یا عدم اعتبار رجال موجود در سند روایت می‌برد. تعابیر رجالی، گاه، برای تعریف و بیان توثیق راوی و حجیت نقل اوست که

«توثیق یا تعدیل» نامیده می‌شود (جدیدی‌نژاد، ۱۳۸۲، ص ۱۸۶) و گاه، در مقام تضعیف، قابل اعتماد نبودن راوی، عدم حجیت نقل او و فقدان شرایط لازم در اوست که به «جرح» یاد می‌شود (همان، ص ۵۰). از آنجا که این توثیقات و قواعد آن، به صورت یکجا، قانونمند و با دسته‌بندی درست، معمولاً توسط رجالیان صورت نگرفته است، بلکه در کتب آنان به صورت پراکنده وجود دارد، می‌طلبید که با پژوهش در آثارشان به قواعد آنها در این علم پی برد. در این پژوهش، برخی از توثیقات رجالی محدث قمی مورد بحث قرار گرفته است. برخی از توثیقات رجالی ایشان عبارتند از: تصریح امام به وثاقت راوی، اصحاب اجماع، نقل ثقات از راوی، نقل راوی از ثقات، داشتن اصل یا کتاب، همنشینی و ترحم و وکالت معصوم (ع)، بودن راوی از اصحاب امام صادق (ع) و ...

۲- فعالیت‌های حدیث‌پژوهی شیخ عباس قمی (ره) در زمینه اسناد روایات

فعالیت‌های شیخ عباس قمی (ره) در زمینه اسناد روایات را می‌توان با بهره‌گیری از دو علم «رجال» و «تراجم» مطالعه کرد. با توجه به تخصص و علاقه وافر وی به این دو علم، از عهده اینها خوب برآمده و بیشترین حجم کتابش را به این علوم اختصاص داده است.

در تعریف علم رجال گفته‌اند: «علمی است که در آن، حالات و اوصاف راویان حدیث، از این نظر که در جواز و عدم جواز قبولی خبر آنان مؤثر است، مورد بررسی قرار می‌گیرد» (سبحانی، ۱۴۲۸، ص ۱۱) و در تعریف علم تراجم گفته شده: «احوال شخصیت‌ها اعم از علماء و غیر علماء و نیز راویان و غیر راویان را مورد بررسی قرار می‌دهد» (همان، ص ۱۳). شیخ عباس قمی در «سفینه البحار» به هر دو علم توجه شایانی داشته است. وی در عرصه علم تراجم، کتب مستقلی را تألیف کرده است، مانند: «الفوائد الرضویة»، «الکنی و الالقاب»، «هدیه الاحباب فی المعروفین بالکنی و الالقاب»، «تتمة المنتهی فی وقایع ایام الخلفاء»، «رساله‌ای در طبقات خلفا و اصحاب ائمه (ع) و علما شعرا»، «ضیافة الاخوان» و «تحفة الاحباب فی نوادر آثار الاصحاب»، اما در زمینه علم رجال با توجه به بررسی‌های انجام شده، کتاب مستقلی ندارد، ولی می‌توان اندیشه‌ها و مبانی رجالی وی را از لابه‌لای «سفینه البحار» و دیگر کتب ایشان استخراج کرد.

دیدگاه شیخ عباس در «سفینه البحار» درباره علم «درایة الحدیث» چندان مشخص و واضح نیست. در تعریف «درایة الحدیث» آمده است: «علمی است که شامل مباحث و مسائلی است که حال راوی و روایت را از جهت قبول و ردّ بررسی می‌کند» (صبحی صالح، ۱۳۸۳، ص ۸۳)، اما در جای‌جای کتاب «سفینه البحار»، از اصطلاحات «درایة الحدیث» مانند «تصحیف»، «تحریف»، «مرسل» و ... استفاده می‌کند و گاه این اصطلاحات را شرح می‌دهد.

۳- شیخ عباس قمی و حدیث پژوهی رجالی

«سفینه البحار» تنها فهرستی بر مطالب «بحار الانوار» مجلسی نیست، بلکه محدث قمی بر آن مطالب مفیدی افزوده است که با عنوان «اقول»، «بیان»، «ایضاح» و ... آنها از مطالب «بحار الانوار» متمایز می‌شود. مطالب رجالی «سفینه» نسبت به دیگر مباحث به جز مبحث «تراجم»، بیشتر است. در هنگام ذکر مطالب رجالی و شرح حال افراد، ایشان در اکثر موارد بدون استناد به کتب رجالی به شرح حال آنها می‌پردازد و چنانچه شرح حال فردی را در جایی دیگر گفته باشد، خواننده را بدانجا ارجاع می‌دهد. در بیان‌های رجالی، برخی اوقات ایشان نحوه صحیح تلفظ اسم راوی را بیان می‌کند. سپس، نکاتی درباره نَسَب، وضعیت زندگی، معیشت و وثاقت راوی را متذکر می‌شود، مثلاً در شرح حال «ابان بن تغلب» چنین می‌نویسد: «أبان بن تغلب، بر وزن «تضرب»، کوفی، ثقه، عالی قدر، دارای جایگاهی بلند نزد اصحاب ماست، امام سجاد (ع)، امام باقر (ع) و امام صادق (ع) را ملاقات کرد. امام باقر (ع) به او فرمود: در مسجد بنشین و به مردم فتوا بده، در سال ۱۴۱ ق. وفات نمود و وقتی خبر وفاتش به امام صادق (ع) رسید، امام (ع) فرمود: به خدا سوگند که مرگ ابان، قلب مرا به درد آورد» (قمی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۳۱-۳۲).

۳-۱- نشانه‌های وثاقت راوی از نگاه شیخ عباس قمی (ره)

نشانه‌های وثاقت و حُسن راوی از منظر محدث قمی را می‌توان به صورت زیر طبقه‌بندی کرد:

۳-۱-۱- توثیقات خاصه

منظور از توثیقات خاصه، توثیقاتی هستند که در حق یک یا چند نفر - بدون آنکه قاعده و ضابطه خاصی باشد که بتوان آن را به دیگران سرایت داد - وارد شده باشد (سبحانی، ۱۴۲۸، ص ۱۵۱). شیخ عباس قمی به توثیق خاص در بیان شخصیت رجالی راوی توجه دارد که در ادامه، به برخی از این موارد پرداخته می‌شود.

۳-۱-۱-۱- تصریح یکی از معصومین (ع)

از جمله راه‌هایی که اثبات وثاقت یا حُسن راویان را موجب می‌گردد، تصریح یکی از معصومین (ع) است. اثبات این مورد در زمان غیبت امام عصر (عج) غالباً از طریق روایت معتبر است (خویی، ۱۳۷۶، ص ۴۶). محدث قمی این ملاک را دلیلی برای حُسن راویان می‌داند، اما همواره اشاره‌ای به وضعیت راویان احادیثی که به نقل از معصومین (ع) می‌آورد، نمی‌کند؛ هرچند گاهی نیز به این مطلب توجه دارد. گویا ایشان در این مورد، پیرو استاد خویش محدث نوری بوده که معتقد بوده است که به روایت ضعیف - حتی روایت خود راوی در تعریف از خود - نیز می‌توان بر وثاقت راوی استناد کرد (همان، ص ۴۶).

شیخ عباس در بیان‌های رجالی‌اش ذیل «یونس بن عبدالرحمن» در مقام اثبات توثیق وی می‌نویسد: «عبدالعزیز بن المهتدی که از بهترین اهل قم، وکیل و از خواص امام رضا (ع) بود، گفت: از امام رضا (ع)

پرسیدم: من هر زمانی که بخوام، نمی‌توانم شما را زیارت و ملاقات کنم، از چه کسی علوم دینی خود را بگیرم؟ فرمودند: از یونس بن عبدالرحمن بگیر. در روایت دیگری «ابن المهتدی» از امام رضا (ع) می‌پرسد: آیا یونس بن عبدالرحمن ثقة و مورد اطمینان است که علوم و معارف دینی را که به آن محتاجم، از او بگیرم؟ امام (ع) فرمودند: بله». محدث قمی در این مورد به توثیق ابن المهتدی نیز پرداخته است (نک: قمی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۱۸۶/ نمونه‌های دیگر رک: همان، ج ۱، ص ۲۶۱ و ج ۲، ص ۳۴۰). قابل ذکر است که یونس بن عبدالرحمن در کتب رجال توثیق شده است (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۴۴۶/ طوسی، ۱۳۸۱، ص ۳۶۸).

۳-۱-۱-۲- تصریح یکی از دانشمندان و علمای گذشته

از مسائلی که وثاقت راوی یا حسن حال او با آن ثابت می‌شود، تصریح یکی از اعلام گذشته، امثال کثی و نجاشی و ... به وثاقت راوی است. این نظر از نگاه بیشتر رجالیان، از باب شهادت و حجیت خبر ثقة می‌باشد (سبحانی، ۱۴۲۸، ص ۱۵۳).

این اصل از جمله اصولی است که محدث قمی با تکیه بر آن به توثیق راویان می‌پردازد. ایشان درباره «یونس بن یعقوب بجلی دهنی» می‌نویسد: «نجاشی درباره او می‌گوید: از یاران امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) و وکیل امام کاظم (ع) بوده است. در مدینه در زمان امام رضا (ع) وفات نمود و نزد آنان صاحب منزلت و موثق بود. سخنانی دروغی به امام صادق (ع) نسبت داده بود که توبه کرد و برگشت. کتاب حج از اوست. مادرش، خواهر معاویه بن عمار دهنی ثقة و با جلالت بود» (قمی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۱۸۸). همچنین، درباره «برید عجلی» می‌نویسد: «بنا به گفته کثی، او از کسانی است که افراد زیادی بر تصدیق او گواهی دادند و در فقه منقاد و پیرو او شدند» (همان، ج ۱، ص ۲۶۱/ موارد دیگر رک: همان، ج ۱، ص ۲۹۳ و ج ۲، صص ۳۹۹ و ۵۱۱).

۳-۱-۱-۳- تصریح یکی از دانشمندان و علمای متأخر

مبنای دیگری که محدث قمی به آن پرداخته و توجه کرده، تصریح یکی از دانشمندان و علمای متأخر به وثاقت راوی است. رجالیان نیز چنین مبنایی را مطرح کرده‌اند، اما غالباً توثیق را مشروط به این می‌دانند که گزارش‌کننده توثیق، با راوی مورد نظر، معاصر بوده باشد یا در عصری نزدیک به روزگار او به سر برده باشد (خویی، ۱۳۷۶، ص ۵۰). به نظر می‌رسد، محدث قمی چنین شرطی را در نظر نمی‌گیرد و صرف توثیق را معتبر می‌شمارد. شاید کار محدث قمی را می‌توان به این صورت توجیه کرد که رجالیان، سندی در اختیار داشتند و بر اساس آن، حکم به وثاقت داده‌اند، ولی امروزه ما آن سند را در دست نداریم. با این استدلال می‌توان نظر رجالیان متأخر را به عنوان شاهد پذیرفت، اما اعتماد به سخن آنها صحیح نیست.

محدث قمی درباره «محمد بن مسلم زهری» می‌نویسد: «اکثر علمای اهل سنت او را یاد کرده و بر او بسیار ثنا گفته‌اند. بیان شده که او علوم فقهای هفتگانه را از بر داشته و با ده صحابی ملاقات کرده و گروهی از بزرگان علم حدیث از او روایت نقل کرده‌اند. کلمات علمای شیعه در مدح و ذم او مختلف است. گروهی

همچون سید بن طاووس او را از دشمنان دانسته و جمعی دیگر مانند: محقق بهبهانی و استاد ما محدث نوری او را توثیق کرده‌اند» (قمی، ۱۴۲۸، ج ۳، ص ۵۵۱ / نمونه‌های دیگر رک: همان، ج ۱، ص ۳۰۰ و ج ۲، ص ۳۰۴). توثیق یا عدم توثیق محققان شیعی یادشده نسبت به «زُهری» همانگونه که از نوشته‌های آنان پیداست، بر اساس حدس و اجتهاد پایه‌گذاری شده است که معتبر نیست، زیرا قول رجالی در صورتی مورد قبول و اعتماد است که مستند به حس باشد (سبحانی، ۱۴۲۸، ص ۱۵۴). علمایی که محدث قمی برای جرح و تعدیل «زُهری» به آنها استناد کرده، همگی از محققان رجالی متأخر می‌باشند و جرح و تعدیل آنها برای وی که از متقدمین است، معتبر نخواهد بود.

۳-۱-۲- توثیقات عام

منظور از توثیقات عام، توثیقاتی است که به وسیله آن، گروهی تحت یک ضابطه خاص توثیق گردند (همان، ص ۱۵۱) و بالتبع، احادیث آنان معتبر گردد.

۳-۱-۲-۱- اصحاب اجماع

از مهم‌ترین توثیقات عمومی، مبحث اصحاب اجماع است که براساس مشهور، هجده نفر از اصحاب امامان معصوم (ع) هستند و همه علمای رجال به وثاقت آنها اتفاق دارند. نخستین بار این نظریه از عبارتی که کُشی در کتابش آورده، استنباط شده است. عبارت کُشی تنها بر وثاقت اصحاب اجماع دلالت می‌کند، نه بر صحت اخبار و وثاقت مشایخ آنان، هرچند محققان در مورد مفاد این توثیق اختلاف نظر دارند (داوری، ۱۴۱۶، صص ۳۸۷-۳۹۸ / سبحانی، ۱۴۲۸، صص ۱۶۵-۲۰۵).

محدث قمی در بیان توثیقات خود از راویان و رجال حدیث، اصحاب اجماع را موثق می‌داند. در مورد وثاقت «جمیل بن دراج نخعی»، همان عبارت کُشی را در توثیق وی و سایر اصحاب اجماع می‌آورد و می‌نویسد: «هو مَمَّن أجمعت العصابة علی تصحیح ما یصحّ عنهم و التصدیق لهم و الإقرار لهم بالفقه» (قمی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۶۶۱): او از جمله کسانی است همه علمای شیعه احادیث او را که به طور صحیح از وی نقل شده، صحیح می‌شمارند و او را تصدیق و به فقاهاست او اقرار می‌کنند. درباره «برید بن معاویه عجللی» می‌گوید: «أنّه من حواری الباقر و الصادق (ع)، و روی عنهما، و مات فی حیاة أبی عبد الله (ع) و هو وجه من وجوه أصحابنا ثقة فقیه، له محل عند الأئمة (ع)، أنّه مَمَّن اتّفتت العصابة علی تصدیقه و مَمَّن انقادوا له بالفقه»: از یاران بسیار نزدیک امام باقر و امام صادق (ع) است و از آنها روایت می‌کند. در زمان حیات امام صادق (ع) وفات نمود و او از چهره‌های درخشان اصحاب ماست. موثق و فقیه است. نزد ائمه (ع) جایگاهی بس والا دارد. از کسانی است که افراد زیادی بر تصدیق او گواهی دادند و در فقه منقاد و پیرو او شدند (احادیث وی را پذیرفته‌اند) (همان، ج ۱، ص ۲۶۱ / نمونه‌های دیگر رک: همان، ج ۱، صص ۳۲ و ۳۰۴ و ج ۲، ص ۳۶۵).

۳-۱-۲-۲- اصحاب امام جعفر صادق (ع) در رجال شیخ طوسی (ره)

از دیگر توثیقات رجالی در بخش توثیقات عامه، بودن راوی در زمره اصحاب امام صادق (ع) است. برخی علما گفته‌اند که تمامی اصحاب امام صادق (ع) که چهار هزار نفرند و نام آنها در رجال شیخ آمده است، ثقه هستند. دلیل این بزرگان، نوشته شیخ مفید در «ارشاد» و ابن شهر آشوب در «مناقب» است. شیخ مفید می‌نویسد: «طالبان علم و دانش از اطراف و اکناف برای کسب فیض از محضر امام صادق (ع) بر در سرای او بار می‌افکندند و آوازه او در شهرها پیچیده بود و دانشمندان از هیچ‌یک از اهل بیت (ع) به اندازه‌ای که از خرمن فضائل او استفاده کرده‌اند، بهره‌مند نشده‌اند و همچنین، ناقلان آثار و مطلعان اخبار به قدری که از آثار و اخبار او نقل کرده‌اند، از دیگری اخذ حدیث ننموده‌اند. دلیل بر این موضوع آن است که اصحاب حدیث، اسامی راویان او را که مورد وثوق و اطمینان بوده و هر یک صاحب رأی و گفتار خاصی هستند، گردآورده، چهار هزار نفر بوده‌اند» (مفید، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۷۹). این کلام باعث شد تعدادی از بزرگان شیعه، تمام اصحاب امام صادق (ع) را ثقه بدانند (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲۴۷/ طبرسی، ۱۳۹۰، ص ۲۸۴/ محقق حلی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۲۶/ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۰۷)، ولی به نظر بسیاری از بزرگان، توثیق تمام اصحاب امام صادق (ع) با این تعداد و حجم بسیار، به دلایل ذیل نادرست است:

الف) اگر بگوییم که منظور علمای رجالی این است که تمام آن چهار هزار نفر از اصحاب امام صادق (ع) ثقه هستند، مثل همان ادعای اهل سنت خواهد شد که تمام صحابه را عادل می‌دانند، و این قطعاً مردود است، ب) اما اگر منظورشان این است که امام (ع) بیش از چهار هزار صحابی داشته، ولی فقط چهار هزار نفر ثقه هستند، درست است که این سخن امکان دارد، اما برای ما راهی جهت به دست آوردن آن چهار هزار نفر وجود ندارد، ج) برخی از اصحاب امام (ع) از سوی شیخ طوسی، غالی و ملعون شمرده شده و این خود نشان می‌دهد که تمام اصحاب آن حضرت (ع) ثقه نبودند (سبحانی، ۱۴۲۸، صص ۳۲۳-۳۳۱/ خویی، ۱۳۷۶، صص ۶۳-۶۴).

محدث قمی در توثیق تعدادی از راویان به مبنای فوق‌الذکر تمسک جسته و آنان را موثق دانسته است. مانند «داود بن ابی یزید الکوفی» معروف به «داود بن فرقد» (قمی، ۱۴۲۸، ج ۳، ص ۱۳۸) و «داود بن کثیر الرقی الکوفی» (همان، ج ۳، ص ۱۳۹) که از اصحاب امام صادق (ع) شمرده می‌شوند (نمونه‌های دیگر رک: همان، ج ۲، ص ۲۷۴ و ج ۳، ص ۴۰۰).

اکثر رجالیان «داود بن ابی یزید کوفی» را توثیق کرده‌اند (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۵۸/ طوسی، بی‌تا، ص ۱۸۵). برخی رجالیان «داود بن کثیر رقی کوفی» را جرح (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۵۷/ ابن غضائری، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۵۹) و برخی وی را توثیق کرده‌اند (کسّی، ۱۳۴۸، ص ۴۰۲/ طوسی، ۱۳۸۱، ص ۳۳۷). هر دو راوی در مجموع موثق شمرده می‌شوند.

۳-۱-۲-۳- انفراد راوی در نقل ادعیه معتبر

شیخ عباس، راوی را که در دعای معتبری منفرد باشد، نشانه توثیق و ممدوح بودن وی قلمداد می‌کند. ایشان در مورد «ابراهیم بن هاشم» می‌نویسد: «و ممّا يدل على جلالته أن الأدعية و الأعمال الشائعة في مسجد السهلة و مسجد زيد المتداولة المتلقاة بالقبول المذكورة في المزار الكبير و مزار الشهيد و غیرهما ينتهی سندها اليه لا غیر» (قمی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۳۰۱): آنچه بر جلالت او گواهی می‌دهد، دعاها و اعمال معروف و متداول مسجد سهله و مسجد زيد که نزد همه (علمای شیعه) متداول و مورد قبول هستند و در کتاب‌های مزار کبیر و مزار شهید و غیره وجود دارند. سند همه آنها به او بر می‌گردد، نه به دیگران».

مبنای توثیقی گفته شده در کتب رجالی یافت نشد و علمای رجال در الفاظ مدح و توثیقات، موردی تحت این عنوان ندارند. این نمونه توثیق راوی، نشانه تسامح ایشان در مدح و توثیق است، زیرا انفراد در نقل ادعیه معتبر دلیل محکمی در توثیق و حُسن راوی نیست. این مبنا به دلایل ذیل قابل اشکال است: الف) شاید قبول این نوع ادعیه از سوی علما از باب تسامح در ادله سنن باشد، یعنی علما در سند و پذیرش اعمال مستحبی سخت‌گیری و دقت چندانی نشان نمی‌دهند، ب) ممکن است علمای پیشین سندهای دیگری در دست داشتند که آنها مورد قبول بوده، ولی به دست ما نرسیده باشد، ج) احتمال دارد چون دعای مفاهیم و عبارات والایی بوده مورد پذیرش قرار گرفته است، اما این عامل نمی‌تواند اثبات کند که دعا از معصوم (ع) صادر شده باشد.

۳-۱-۲-۴- نقل کننده زیارت معتبر

از دیدگاه شیخ عباس قمی، اگر فردی از ناقلان زیارت معتبری باشد، مورد توثیق قرار می‌گیرد. این مبنا همانند مبنای قبلی در کتب رجالی یافت نشد و از الفاظ مدح و توثیق محسوب نمی‌شود. با توجه به رویکرد وی در تسامح توثیقات و حُسن راوی و علاقه وافری که او به نقل زیارات و ادعیه دارد، این مبنا را اتخاذ کرده است. البته، این نوع توثیق قابل خدشه است، زیرا اگر رجالیان، روایت خاصی از یک راوی مشخص را معتبر و قابل پذیرش تشخیص بدهند، نمی‌توانند این اعتبار را به دیگر روایات او، بدون احراز صدق وی تعمیم دهند و یا با وجود یک روایت موثق از راوی، حکم به توثیق او کنند، زیرا چه بسا دروغگویی که گاهی صادق باشد.

ایشان «حسین بن ثویر بن اُبی فاخته» را به دلیل نقل زیارت معتبری که امام صادق (ع) به یونس بن ظبیان یاد می‌دهد، ثقه می‌داند. برخی از کتب معتبر مانند: «کافی»، «من لایحضره الفقیه»، «تهذیب الاحکام» و «کامل الزیارات» آن را روایت می‌کنند (همان، ج ۲، ص ۲۳۳). البته، «حسین بن ثویر» در کتب رجال نیز موثق شمرده شده است (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۱۸/کشی، ۱۳۴۸، ص ۲۲۰).

۳-۱-۲-۵- نقل راوی از ثقات

محدث قمی یکی از توثیقات راوی را نقل وی از افراد ثقه می‌داند و نتیجه می‌گیرد که راوی به صحت نقل اهتمام داشته است. البته، نقل راوی از افراد ثقه، دلیلی بر ثقه بودن راوی نیست، زیرا ممکن است راوی جهت

پذیرش روایات خود توسط دیگران، احادیث خود را به افراد ثقه منسوب کرده باشد. بنابراین، پذیرش روایت راوی از راویان ثقه، فرع بر وثاقت راوی است و اگر اثبات وثاقت راوی به نقل او از ثقه پیوند بخورد، مستلزم دور خواهد بود که قطعاً دور باطل است. بنابراین، جز با نگاه تسامح نمی‌توان نقل از ثقات را دلیلی بر وثاقت راوی قلمداد کرد.

اثبات ثقه بودن مشایخ یک راوی به دو طریق ممکن است: الف) خود راویان بگویند که ما تنها از ثقه روایت می‌کنیم، ب) دیگر اینکه در مسندها و مشایخ آنها تحقیق صورت گیرد و روایتی که از ضعیف نقل کرده باشند، در میان آنها موجود نباشد (سبحانی، ۱۴۲۸، ص ۲۳۲).

شیخ عباس قمی از نشانه‌های وثاقت «جعفر بن بشیر أبو محمّد البجلي الوثّاء» را نقل او از ثقات می‌داند (قمی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۵۹۷). ایشان در تأیید وثاقت «جعفر بن ابراهیم بن محمّد بن علی بن عبداللّه بن جعفر بن ابی طالب المدنی» می‌نویسد: «جعفر بن ابراهیم» از بزرگان اصحاب ما از جمله حسن بن محبوب، محمد بن ابی عمیر، حسن بن علی بن فضّال، عبیس بن هشام و ابن جبلة نقل روایت کرده است (همان، ج ۱، ص ۶۰۱/ نمونه‌های دیگر رک: همان، ج ۱، ص ۵۹۶ و ج ۲، ص ۳۳۶). اکثر رجالیان «جعفر بن بشیر» و «جعفر بن ابراهیم» را توثیق کرده‌اند (نجاشی، ۱۴۰۷، صص ۱۱۹، ۱۸۳/ علامه حلی، ۱۴۱۱، صص ۳۲، ۷۸).

۳-۱-۲-۶- نقل ثقات از یک راوی

محدث قمی راویانی را که افراد ثقه از آنان روایت نقل کنند، موثق و معتبر می‌داند، به این دلیل که اگر آن راویان، ثقه نبودند، ثقات از آنان روایت نقل نمی‌کردند (قمی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۲۹۶).

برخی از علمای رجال بر این مبنا اشکال گرفته و می‌گویند: اینکه شخص ثقه‌ای، از فردی روایت نقل کند، دلیل بر ثقه بودن مروی‌عنه نیست، زیرا ثقاتی که از غیر ثقه نقل روایت کرده‌اند، فراوانند. البته، کثرت نقل ثقه از یک فرد، به دو دلیل بر وثاقت او دلالت دارد: الف) همانگونه که کثرت نقل روایات از افراد ضعیف از علانم ضعف راوی شناخته می‌شود، کثرت نقل از افراد ثقه می‌تواند از نشانه‌های توثیق باشد، ب) اگر کثرت نقل راوی ثقه از یک فرد، دلیل ثقه بودن مروی‌عنه نباشد، نقل او بی‌فایده و مورد اعراض واقع می‌شد و این برخلاف قلت نقل است، زیرا قلت نقل از ضعیف اولاً، امر متعارفی است، ثانیاً، ممکن است راوی، هدفی نظیر تأیید سایر اخبار را در نظر داشته باشد (سبحانی، ۱۴۲۸، صص ۳۴۹-۳۵۰). محدث قمی «یونس بن ظبیان» را که اکثر رجالیان به کذب و غلو تضعیف کرده‌اند (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۴۴۸/ علامه حلی، ۱۴۱۱، ص ۲۶۶/ کشی، ۱۳۴۸، ص ۳۶۳/ ابن غضائری، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۱۰۱)، به این دلیل که بزرگان شیعه و سرشناسان اصحاب از او روایت نقل می‌کنند، ثقه و دارای مقامی والا می‌داند و او را سزاوار مدح می‌شمرد (قمی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۱۸۵). همچنین، در توثیق «بکّار بن کَرْدَم کوفی» که در کتب رجال مدح و ذمی درباره او ثبت نشده است، می‌نویسد: «الکوفی من أصحاب الصادق (ع) یروی عنه ابن ابی عمیر و یونس بن عبدالرحمن و یظهر من أخباره حُسن عقیدته» (همان، ج ۱، ص ۳۴۶): کوفی است و از اصحاب امام صادق (ع) است و ابن ابی عمیر و یونس

بن عبدالرحمن از او روایت نقل می‌کنند و از روایاتش پاکی عقیده‌اش نمایان است (نمونه‌های دیگر رک: همان، ج ۱، ص ۲۹۶ و ج ۲، ص ۱۲۸). محدث قمی هر دو مورد را موثق می‌داند، با اینکه موثق یا غیر موثق شمردن راوی، باید مبنی بر حس باشد، نه بر حدس و اجتهاد.

۳-۱-۲-۷- داشتن اصل یا کتاب

در تعریف «اصل» و «کتاب» محققان می‌گویند: «اصل» در اصطلاح علمای حدیث مجموعه‌ای از روایات است که راوی بلاواسطه از زبان معصوم (ع) شنیده و ضبط کرده باشد. در مقابل، «کتاب» مجموعه‌ای است که علاوه بر کلام ائمه (ع)، از خود مؤلف نیز بیاناتی در آن وجود دارد (مدیر شانه‌چی، ۱۳۹۳، صص ۵۶-۵۷). این توثیق (به داشتن اصل یا کتاب) در کتب رجالی نیز موجود است و می‌توان آن را دلیلی بر اهتمام راوی به امر حدیث به شمار آورد، اما بسیاری از مؤلفان دروغگو و حدیث‌پردازانی که پاره‌ای از آنها را علمای رجال نام برده‌اند (خویی، ۱۳۷۶، ص ۷۹). برخی محققان رجالی شرط موثق بودن صاحب «کتاب» و «اصل» را وجود نشانه‌هایی چون توصیف کتاب به قابل اعتماد بودن آن دانسته‌اند (بهبهانی، بی تا (ب)، ص ۳۵). اگر «اصل» یا «کتاب» دارای طرق و اسانید گوناگون باشد، نشانه حسن صاحب آن و سبب مدح اوست (رحمان ستایش، ۱۳۸۷، ص ۱۱۳).

محدث قمی این امتیاز را سبب توثیق و مدح راوی قلمداد می‌کند. به عنوان نمونه، به «ذریح محاربی»، «اصل» نسبت می‌دهد و می‌نویسد: «إِنَّهُ ثِقَّةٌ لَهُ أَصْلٌ» (قمی، ۱۴۲۸، ج ۳، ص ۱۸۹). همچنین، در مورد «أبو رافع»، صاحب بیت‌المال در زمان امیرالمؤمنین (ع) می‌نویسد که وی دارای کتابی به نام «السنن و الاحکام و القضايا» بوده است (همان، ج ۳، ص ۳۸۹/ نمونه‌های دیگر رک: همان، ج ۱، ص ۷۱ و ج ۳، ص ۴۲۶). از میان همه رجالیان، فقط شیخ طوسی «ذریح محاربی» را به دلیل داشتن «اصل» توثیق کرده است (طوسی، بی تا، ص ۱۸۹). اکثر رجالیان «أبو رافع» را توثیق کرده‌اند (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۵/ علامه حلی، ۱۴۱۱، ص ۳).

۳-۱-۲-۸- همنشینی با معصوم (ع)

از منظر محدث قمی، اشخاصی که با عنوان مصاحب و همنشین معصومین (ع) شناخته شده‌اند، موثق هستند. برخی از محققان رجالی، همنشینی با معصوم (ع) را فراتر از توثیق دانسته‌اند (بهبهانی، بی تا (ب)، ص ۵۰). عده‌ای دیگر، همنشینی با معصوم (ع) را مدحی آشکار، بلکه بالاتر از وثاقت می‌شمارند (شوشتری، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۶۸)، ولی برخی دیگر، مصاحبت معصوم (ع) را در بردارنده هیچ مدح و توثیقی نمی‌شمارند (خویی، ۱۳۷۶، ص ۷۹).

می‌توان گفت، همنشینی و مصاحبت، معانی مختلفی دارد و باید با توجه به وثاقت یا عدم وثاقت آنان جداگانه بررسی کرد. این معانی عبارت‌اند از: الف) کسی که یکی از معصومین (ع) را درک کرده و دیده است، ب) کسی که صرفاً از امام معصوم (ع) روایاتی شنیده و نقل کرده است، ج) کسی که زمانی طولانی در معیت

معصومین (ع) بوده و نزد ایشان تربیت یافته و از لحاظ علمی و اخلاقی بالیده و پرورش یافته است، (د) کسانی که صاحبان سرّ ائمه (ع) بوده‌اند، افرادی نظیر سلمان فارسی، میثم تمار، ابان بن تغلب، زرارة بن اعین و آشکار است کسی که صاحب سرّ امام (ع) است، مرتبه او والاتر از وثاقت است و نیز راویانی که زمانی طولانی همراه معصوم (ع) بوده و از نشر دهندگان آثار ائمه (ع) بوده‌اند، موثق هستند (مامقانی، ۱۴۳۱، ج ۲، ص ۲۹۵)، اما صرف همنشینی و مصاحبت با امام (ع) یا نقل روایاتی از او، از دلایل توثیق به شمار نمی‌آید. البته، اگر شخص مصاحب، ناقل روایات بسیاری باشد، شاید بتوان او را ستود و مدح کرد. وجود مصاحبان فاسد در میان همنشینان معصومین (ع) را نیز می‌توان به معنای اول یا دوم به شمار آورد.

محدث قمی در توثیق «بشر بن سلیمان نخّاس» می‌نویسد: «از فرزندان ابو ایوب انصاری بوده و از دوستان و موالی حضرت هادی (ع) و حضرت عسکری (ع) است و همسایه آنها در سامرا بود» (قمی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۳۱۲) و در توثیق «جابر بن یزید جعفی» می‌گوید: «از راویان جلیل القدر و بزرگان ثقات است، او حامل اسرار اهل بیت (ع) و حافظ گنجینه‌های اخبار آنهاست» (همان، ج ۱، ص ۵۳۶) و در ادامه از قول این راوی می‌نویسد: «هجده سال امام باقر (ع) را خدمت کردم و در معیت ایشان بودم» (همان، ج ۱، صص ۵۳۷-۵۳۸/ نمونه‌های دیگر رک: همان، ج ۱، صص ۲۶۱، ۳۰۴).

در کتب رجال مدح و ذمی در باره «بشر بن سلیمان نخّاس» نیامده است، ولی اکثر رجالیان «جابر بن یزید جعفی» را توثیق کرده‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۱، ص ۳۵/کشی، ۱۳۴۸، ص ۱۹۶).

۳-۱-۲-۹- ترحم امام (ع) یا یکی از علمای رجال به راوی

برخی رجالیان با استفاده از دلایلی چون عدم اختصاص ترحم به گروهی خاص، ترحم امام صادق (ع) بر همه زائران حسینی یا افراد مشهور به فسق و ... نتیجه می‌گیرند که ترحم و ترضی با وثاقت و حسن راوی ملازمه‌ای ندارد (خویی، ۱۳۷۶، ص ۸۰/ شوشتری، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۷۱)، ولی می‌توان گفت که ترحم و ترضی، مراتب گوناگونی دارد. ترحم اگر به معنای «طلب غفران» باشد، دلالت بر مدح و توثیق ندارد، اما در مرتبه «طلب رحمت» یا «طلب رضوان»، اگر نشانه توثیق نباشد، دست کم، نشانه مدح است (داوری، ۱۴۱۶، صص ۴۹۲-۴۹۳).

اگر ترحم و ترضی از اشخاص معمولی صادر شود، از دیدگاه رجالی، دارای ارزش و دلالتی بر توثیق نیست، اما اگر ترحم و ترضی، از اشخاص بزرگ و والا از قبیل معصومین (ع) یا رجالیان مطرح که به مدلول واژه‌ها و عبارات آگاه بوده‌اند، صادر شده باشد، نشانه وثاقت است. برخی از عالمان، ترضی و ترحم چنین کسانی را نشانه وثاقت می‌دانند (کجوری شیرازی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۳/ مامقانی، ۱۴۳۱، ج ۲، ص ۲۸۰). اکثر رجالیان، این نوع توثیق را از مدح‌های قابل توجه و نشانه جلالت فرد می‌شمارند (بهبهانی، بی تا (الف)، ص ۳۰/ اعرجی کاظمی، ۱۴۱۵، ج ۱، صص ۱۳۴-۱۳۵/ مامقانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۱۳۰).

محدث قمی راویان ذیل را با عباراتی که از ائمه (ع) رسیده، توثیق کرده است: «صفوان جمّال» را که امام صادق (ع) به او گفت: «رَحِمَكَ اللهُ»، خداوند تو را رحمت کند (قمی، ۱۴۲۸، ج ۵، ص ۱۳۱) و «ابراهیم بن ابی محمود» که امام جواد (ع) برای او دعا و بهشت را ضمانت کرده است (همان، ج ۱، ص ۲۸۹/نمونه‌های دیگر رک: همان، ج ۱، صص ۳۱۵، ۵۳۸). اکثر علمای رجال، راویان فوق را موثق دانسته‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۱، ص ۸۹/حلی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۸/خویی، ۱۴۱۰، ج ۹، ص ۱۲۳).

۳-۱-۲-۱۰-خاندان روایی

از دیگر توثیقات محدث قمی، بودن راوی از بیوت و خاندان حدیثی است. برخی از توثیقات عام، برگرفته از ویژگی‌های خاندان‌هایی است که به وثاقت و یا دیگر خصوصیات اطمینان‌آور شناخته شده‌اند. البته، راوی به شرط بودنش در خاندان حدیثی که در کتب رجال توثیق شده‌اند، موثق شمرده می‌شود. با حُسن نظری که شیخ عباس به روات دارد، اکثر مصادیق این مبنا را توثیق می‌کند. درباره «ابن زهرة ابوالمکارم حمزة بن زهرة الحسینی الحلبی» می‌گوید: «یروی عنه شاذان بن جبرئیل القمّی و محمد بن ادریس و غیرهما و هو و ابوه و جده و اخوه ابوالقاسم عبدالله بن علی صاحب التجرید فی الفقه و ابنه محمد بن عبدالله کلّهم من اکابر فقهاءنا و بیتهم بیت جلیل بحلب» (قمی، ۱۴۲۸، ج ۳، ص ۵۵۳): شاذان بن جبرئیل قمی و محمد بن ادریس و دیگران از او نقل روایت می‌کنند. او و پدرش و جدش و برادرش، ابوالقاسم عبدالله بن علی صاحب کتاب «تجرید» در فقه و فرزندش، محمد بن عبدالله همگی از بزرگان فقه‌های ما هستند و خانواده آنان از خانواده‌های با جلالت در حلب است (نمونه‌های دیگر رک: همان، ج ۱، صص ۱۹۲-۱۹۳ و ج ۲، صص ۳۰۹-۳۱۰). برخی رجالیان، «ابن زهرة» را موثق شمرده‌اند (خویی، ۱۴۱۰، ج ۶، صص ۲۷۳-۲۷۴).

۳-۱-۲-۱۱-وکالت داشتن از معصوم (ع)

برخی رجالیان، وکلای معصومین (ع) را موثق دانسته‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۱، ص ۴/بهبهانی، بی تا (ب)، ص ۴۵/اعرجی کاظمی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۳۴/مامقانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۵۸) و گروهی موثق نمی‌دانند (خویی، ۱۳۷۶، صص ۷۷-۷۸). عده‌ای نیز، وکالتی را نشانه عدالت و وثاقت می‌دانند که در امور مهم مشروط به عدالت مانند: جمع‌آوری وجوهات، قضاوت و فتوا و... باشد (کاظمی جزایری، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۰۱/صدر، ۱۳۵۴، صص ۴۱۷-۴۱۸/طریحی، ۱۴۳۲، ص ۲۷/مامقانی، ۱۴۳۱، ج ۲، ص ۲۸۷).

به نظر می‌رسد که وکالت داشتن از طرف معصوم (ع) در اموری مانند جمع‌آوری وجوهات، فتوا و قضاوت می‌تواند نشانه وثاقت باشد، زیرا موارد گفته شده بالا، به قدری مهم و اساسی است که باید اشخاص موثق به این امور مهم پردازند. سیره عقلا چنین است که فقط افراد موثق و امین را در امور مهم وکیل خود می‌گمارند. از حضرات معصومین (ع) نیز که از برترین عقلای اعصار هستند، انتظار می‌رود که بیش از دیگران چنین روشی را پیشه خود کنند.

محدث قمی در توثیق «یونس بن یعقوب بجلی دهنی» می‌نویسد: «وکیل امام کاظم (ع) بود. در مدینه در زمان امام رضا (ع) وفات نمود و نزد آنان صاحب منزلت و موثق بود» (قمی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۱۸۸). درباره «صفوان بن یحیی» می‌گوید: «از اصحاب امام کاظم (ع)، امام رضا (ع) و امام جواد (ع) است. نزد امام رضا (ع) جایگاهی بس والا داشت و وکالت امام رضا (ع) و امام جواد (ع) را داشت و از موثق‌ترین و عابدترین افراد روزگارش بود» (همان، ج ۵، صص ۱۳۲-۱۳۳ / نمونه‌های دیگر رک: همان، ج ۱، ص ۱۹۲ و ج ۶، ص ۱۴۷). در اکثر کتب رجال، هر دو راوی یادشده توثیق شده‌اند (کشی، ۱۳۴۸، ص ۵۰۲ / نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۹۷ / طوسی، بی‌تا، ص ۲۴۱).

۳-۲- آوردن نکات تکمیلی در مباحث رجالی

شیخ عباس قمی در لابه‌لای توثیقات رجالی خود در «سفینه البحار» نکات جالب و سودمندی را که از جهتی می‌توانند تکمیل‌کننده موارد پیش‌گفته باشند، نیز آورده است. به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

۳-۲-۱- سنجش وثاقت و عدالت راوی

از مواردی که شیخ عباس قمی در «سفینه البحار» در لابه‌لای بیان احادیث بدان توجه کرده، سنجش وثاقت و حسن راویان حدیث است. وی علاوه بر توثیق، راویانی را نیز جرح کرده است. وی در توثیق راویان از الفاظ رایج رجالیان سود برده است، مانند: «ثقة، وجه الطائفة، صحیح الروایة، له اصل و کتاب، جلیل القدر، من عیون الصحابة...». الفاظی که در جرح از آنها استفاده کرده است، مانند: «ضعیف الحدیث، کذاب، ملعون، مجهول...». ایشان در وثاقت «برید العجلی» چنین می‌نویسد: «برید، با ضمه باء و فتح راء، ابن معاویه عجلی، با کسر عین و سکون جیم، أبو القاسم عربی، از حواری امام باقر (ع) و امام صادق (ع) است و از آنها نقل روایت می‌کند و در زمان حیات امام صادق (ع) وفات نمود. او از وجوه [سرشناسان] اصحاب ماست. ثقة و فقیه است. نزد ائمه (ع) جایگاهی بس والا دارد. او از کسانی است که افراد زیادی بر تصدیق او گواهی دادند و در فقه منقاد و پیرو او شدند و از «جمیل بن ذراج» روایت شده است که گفت: شنیدم که امام صادق (ع) می‌فرمود: فروتنان را به بهشت بشارت بده: برید بن معاویه عجلی، ابو بصیر لیث بن بختری مرادی، محمد بن مسلم و زراره، این چهار بزرگوار اُمّای خداوند بر حلال و حرام او هستند. اگر اینان نبودند، آثار نبوت منقطع و از بین می‌رفت. همچنین، آن حضرت (ع) فرمود: او تاد زمین و اعلام دین چهار نفر هستند: محمد بن مسلم، برید بن معاویه، لیث بن بختری و زراره بن أعین» (قمی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۲۶۱ / نمونه‌های دیگر رک: همان، ج ۲، ص ۳۴۰ و ج ۴، ص ۹۹).

محدث قمی در جرح «بزیع الحائک» می‌گوید: «[نام او] مصغر نیست، او همان کذّابی است که فرقه بزیعیه به او منسوب است و امام صادق (ع) او را لعنت کرد. او از اصحاب و یاران اَبی الخَطّاب است که به کفر و الحاد معروف هستند.» (از ابن ابی یعفر نقل شده است که گفت: بر امام صادق (ع) وارد شدم که فرمود: بزیع

چه کرد؟ گفتم: کشته شد. فرمود: الحمد لله، برای این فرقه مغیره چیز بهتری بهتر از کشتن نیست، زیرا آنها هرگز تبعیت (یا توبه) نمی‌کنند. از ایشان (ع) است که فرمود: بنان، سری و بزيع (که خداوند آنها را لعنت کند) شیطان در بهترین چهره آدمی با تمام قامت برای آنها مجسم شد» (همان، ج ۱، صص ۳۰۳-۳۰۴).

شیخ عباس در مورد وثاقت راوی، سختگیری چندانی ندارد و نگاه ایشان به بیشتر راویان، تسامحی و حسن نظر است. اگر به طور گذرا مجلدات «سفینه البحار» را تورق کنیم، مشاهده می‌شود که در مقایسه با توثیقات ایشان، جرح و قدح راویان بسیار اندک است. وی در بیشتر موارد، راویان را تحسین و توثیق نموده و این نشان می‌دهد که دیدگاه ایشان در این امر، مسامحه در توثیق است.

۳-۲-۲- تلفظ صحیح نام راوی

شیخ عباس قمی به ضبط نام راویان توجه شایانی دارد. این امر کمک فراوانی در شناخت نام افرادی که تلفظ نامشان در گذر زمان دچار دگرگونی، فراموشی یا اشتباه شده است، می‌کند. ایشان در جاهای متعددی (صدها مورد) متذکر این موضوع می‌شود. به عنوان مثال، درباره تلفظ صحیح «بُرید العجلی» می‌نویسد: «بُرید، بَضَمَ الباءِ وَ فَتَحَ الراءِ، ابن معاوية العجلی، بِكسْرِ العینِ وَ سُكُونِ الجیم» (همان، ج ۱، ص ۲۶۱ / موارد دیگر رک: همان، ج ۱، صص ۱۸۸، ۳۵۲).

۳-۲-۳- نکاتی درباره زندگی، اجداد، فرزندان، سکونت و کتب و ... راوی

شیخ عباس قمی در هنگام شرح حال راوی، گاهی نکاتی درباره زندگی، اجداد، فرزندان، کتب و مکان سکونت و ... راوی ارائه می‌دهد. به عنوان نمونه، در شرح حال «محمد بن خالد برقی» می‌نویسد: «محمد بن خالد بن عبدالرحمن بن محمد بن علی برقی، ابوعبدالله، ادیبی که به اخبار، روایات و علوم عرب آشنایی خوبی داشت. ابن ندیم او را از اصحاب امام رضا (ع) شمرده است. فرزندش، شیخ اجل و اقدم، ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد برقی است. مشایخ رجال درباره او می‌گویند: خودش ثقة است، اما از ضعفاء روایت می‌نمود و بر مراسیل اعتماد می‌کرد و کتاب «المحاسن» و غیره را نوشت. اصالتاً کوفی است و جدش، محمد بن علی است که یوسف بن عمر بعد از کشته شدن زید [بن علی بن حسین] او را زندانی کرد. سپس، او را کشت و خالد کم سن بود و با پدرش عبدالرحمن به بَرَقُود، از روستاهای قم، فرار کردند و در آنجا اقامت گزیدند. احمد بن محمد بن خالد در سال ۲۷۴ ق یا ۲۸۰ ق وفات نمود» (همان، ج ۱، ص ۲۷۴ / نمونه‌های دیگر رک: همان، ج ۵، ص ۱۳۲ و ج ۳، صص ۵۵۱-۵۵۲).

۳-۲-۴- بررسی راویان مشترک

ایشان در میان مباحث حدیث پژوهی یا هنگام بیان تراجم و اعلام، از وجود راویان مشترک غافل نبوده است و اگر راوی که در حال بیان زندگی اوست، راوی دیگری هم نام او باشد، متذکر می‌شود، مانند: محدث قمی دو نویسنده طبری نام را با جستجوهای تاریخی - حدیثی از هم متمایز کرده است:

الف) طبری از اهل سنت: محدث قمی در شرح او می‌نویسد: «ابو جعفر محمد بن جریر بن یزید (م. ۳۱۰ق) محدث، فقیه، مورخ و صاحب تفسیر بزرگ و تاریخ مشهور است و همچنین، او صاحب کتاب «الولاية» در طرق حدیث غدیر است. همان کتابی که ذهبی درباره آن گفته است: "آن را دیدم و از کثرت طرق (سندهای) آن حیرت زده شدم" و اسماعیل بن عمر شافعی در نگارش زندگی‌نامه او نوشت: از وی، کتابی را دیدم که احادیث غدیر خم در دو جلد ضخیم در آن جمع شده بود و کتابی که سندهای حدیث "طبر" در آن گردآوری شده بود. محمد بن خزیمه می‌گوید: من در روی زمین دانشمندتر از او نمی‌شناسم و همانگونه که گفته شد، او مجتهد آزاداندیش و صریح‌اللهجه بود و اگر به امری اعتقاد پیدا می‌کرد، آن را آشکارا بیان می‌نمود و به این خاطر دشمنان بسیاری در میان اهل سنت و به ویژه، حنابله داشت، زیرا او کتابی را که اختلافات فقها در آن گردآوری شده بود، نگاشت، اما نامی از ابن حنبل در آن کتاب نیاورد. به او گفته شد: چرا اسم ابن حنبل را در این کتاب نیاوردی؟ گفت: ابن حنبل فقیه نبود، بلکه محدث و راوی بود. این امر بر پیروان ابن حنبل که در بغداد بسیار بودند، گران آمد و به انتقام از او برآمدند و او را به الحاد و بی‌دینی متهم کردند، ولی او به خاطر زهد و قناعت و آنچه از پدرش در روستایی در طبرستان به او ارث رسید، اهمیتی به این چیزها نمی‌داد. وقتی در ماه شوال سال ۳۱۰ ق وفات کرد، او را شبانه در خانه‌اش دفن کردند، زیرا [حنابله از] اهل سنت جمع شده و مانع شدند که در روز دفن شود» (همان، ج ۱، ص ۵۷۷).

ب) طبری شیعی: «و اما ابن جریر طبری شیعی، او ابو جعفر محمد بن جریر بن رستم طبری آملی است و از دانشمندان بزرگ ما در مذهب امامیه سده چهارم است و از افراد جلیل‌القدر و ثقات آنهاست. صاحب کتاب "دلائل الامامة و الايضاح و المسترشد" است. نجاشی گفته است: محمد بن جریر بن رستم طبری آملی، ابو جعفر، از اصحاب جلیل ماست. علم بسیار و حسن گفتار دارد. او ثقة در حدیث است. کتاب "المسترشد" در امامت از اوست» (همان، ج ۱، ص ۵۷۸ و نیز رک: همان، ج ۱، صص ۲۳۰-۲۳۱ و ۲۶۴-۲۶۵).

۳-۲-۵- بررسی طبقه راوی

در «سفینة البحار» مشاهده می‌شود که محدث قمی در کنار بیان روایات به طبقه راوی نیز اشاره می‌کند. «طبقه در اصطلاح، جماعتی را گویند که در یک عصر بوده و قریب السن باشند و همچنین، در ملاقات مشایخ و اخذ حدیث از استاد شریک باشند» (مدیر شانه‌چی، ۱۳۹۳، ص ۴۷). آگاهی از طبقات راویان، فواید مختلفی دارد، شناخت اتصال و انقطاع سند و تشخیص هویت واقعی راویان هم نام، از مهم‌ترین این موارد است (نفیسی، ۱۳۹۴، ص ۴۴). شناخت اساتید، شاگردان و امامان هم عصر راوی، طبقه راوی را روشن می‌سازد و

می‌توان به انقطاع و گسستگی سند پی برد. محدث قمی درباره «ایوب بن نوح بن درّاج» چنین می‌گوید: «وکیل امام هادی (ع) و فاضل و مورد رضایت بود. امام (ع) برای او بهشت را شهادت داده است. می‌گویم: ابو الحسین، ایوب بن نوح بن درّاج نخعی، ثقة است. کتاب، روایات و مسائلی از امام هادی (ع) دارد، وکیل امام هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع) بود و دارای منزلتی بزرگ نزد آنان بود. به شدت امین و با تقوا و از بندگان صالح خداوند بود. بسیار عبادت‌کننده و ثقة در روایاتش بود و پدرش، نوح بن درّاج قاضی در شهر کوفه بود و صحیح الاعتقاد بود و برادرش جمیل بن درّاج وجه الطائفة است» (قمی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۱۹۲/نمونه‌های دیگر رک: همان، ج ۲، ص ۵۴۱ و ج ۴، ص ۱۹۰).

۳-۲-۶- وجود نام راوی در سند روایات

گاهی شیخ عباس در هنگام ذکر شرح حال یک راوی، احادیثی را می‌آورد که نام راوی، در سند آن روایات موجود باشد یا خود راوی، اولین حلقه سلسله سند آن روایت است یا مجموعه روایاتی را گردآوری می‌کند که در آنها، افراد مختلفی نظر و گزارش خود را درباره راوی مورد نظر، از جهات مختلف اعلام می‌دارند، از قبیل: زندگی‌نامه، احوال و یا مدح، ذمّ، ترحمّ و ... معصوم (ع) یا افراد خاصی. ایشان در شرح حال «زُرارة بن أعین» چند حدیث را که «زُرارة» در سند آنها موجود باشد یا اولین راوی آن حدیث «زُرارة» باشد، می‌آورد. و در ادامه روایاتی را که از زبان ائمه (ع) درباره مدح «زُرارة» در کتب حدیثی آمده، گردآوری کرده است. به عنوان مثال، «مدح زُرارة: فی الامر بأخذ الحدیث عنه حیث قال الصادق (ع) لفیض بن المختار کما فی رجال الکشی: فإذ أردت حدیثنا فعلیک بهذا الجالس و أومى بیده إلى رجل من أصحابه و کان هو زُرارة بن أعین» (همان، ج ۳، ص ۴۶۰). ستایش زُرارة بن اعین در دستور به اخذ حدیث از وی: همانگونه که در رجال کَشّی آمده است، امام صادق (ع) به فیض بن مختار فرمودند: اگر روایت ما را بخواهی، به سمت این فردی که نشسته است، برو و با دستش به یکی از اصحابش اشاره کرد و آن فرد زُرارة بن اعین بود (نمونه‌های دیگر رک: همان، ج ۱، صص ۳۱-۳۲ و ج ۳، صص ۵۵۰-۵۵۲).

نتیجه‌گیری

از مقاله حاضر، نتایج ذیل بدست آمد:

۱. «سفینة البحار» محدث قمی تنها فهرستی بر مطالب «بحار الانوار» مجلسی نیست، بلکه محدث قمی بر آن مطالب مفیدی افزوده است که با عنوان «اقول»، «بیان»، «ایضاح» و غیره از مطالب «بحار الانوار» متمایز می‌شود؛

۲. فعالیت‌های شیخ عباس قمی (ره) در «سفینة البحار» در زمینه اسناد روایات را می‌توان در دو دانش «رجال» و «تراجم» ملاحظه کرد. با توجه به تخصص بالا و علاقه وافر ایشان به این دو علم، هم از عهده این کار به خوبی برآمده و هم بیشترین حجم کتابش را به این علوم اختصاص داده است؛

۳. محدث قمی در عرصه علم تراجم، علاوه بر مباحث مفصلی که در «سفینه البحار» آورده است، کتاب‌ها و رساله‌های مستقلی را نیز تألیف کرده است، مانند: «الفوائد الرضویة»، «الکنى و الالقاب»، «هدية الاحباب فی المعروفین بالکنى و الالقاب»، «تتمة المنتهی فی وقایع ایام الخلفاء»، «رساله‌ای در طبقات خلفا و اصحاب ائمه (ع) و علما و شعرا»، «ضیافة الاخوان»، «تحفة الاحباب فی نوادر آثار الاصحاب»؛ ولی در محدث قمی در زمینه علم رجال، کتاب مستقلی ندارد، ولی می‌توان مباحث و اندیشه‌های رجالی و مبانی آن را از لابه‌لای «سفینه البحار» و دیگر کتب ایشان استنباط و استخراج کرد. مطالب رجالی «سفینه البحار» نسبت به دیگر مباحث به جز مبحث «تراجم»، بیشتر است؛

۴. دیدگاه شیخ عباس قمی در «سفینه البحار» درباره علم «درایة الحدیث» چندان مشخص و واضح نیست، اما در جای‌جای این کتاب از اصطلاحات «درایة الحدیث»، مانند: «تصحیف»، «تحریف»، «مرسل» و... استفاده می‌کند و گاهی این اصطلاحات را شرح می‌دهد؛

۵. محدث قمی در هنگام ذکر مطالب رجالی و شرح حال افراد، در اکثر موارد بدون استناد به کتب رجالی به شرح حال آنها می‌پردازد و چنانچه شرح حال فردی را در جایی دیگر گفته باشد، خواننده را بدانجا ارجاع می‌دهد. در بیان‌های رجالی، برخی اوقات نحوه صحیح تلفظ اسم راوی را بیان می‌کند. سپس، نکاتی درباره نسب، وضعیت زندگی، معیشت و وثاقت راوی را متذکر می‌شود؛

۶. از نگاه شیخ عباس قمی، نشانه‌های وثاقت راوی بر دو قسم است: توثیقات خاصه که شامل تصریح یکی از معصومین (ع)، تصریح یکی از دانشمندان و علمای گذشته و تصریح یکی از دانشمندان و علمای متأخر در باره یک راوی خاص است و توثیقات عام که شامل این موارد می‌شود: از اصحاب اجماع بودن راوی، از اصحاب امام جعفر صادق (ع)، وجود راوی در رجال شیخ طوسی، انفراد راوی در نقل ادعیه و زیارت معتبر، نقل راوی از ثقات و نقل ثقات از راوی، دارا بودن اصل یا کتاب، همنشینی با معصوم (ع)، ترحم امام (ع) یا یکی از علمای رجال به راوی، داشتن خاندان روایی موثق و وکالت داشتن از امام معصوم (ع)؛

۷. شیخ عباس قمی در «سفینه البحار» نکات تکمیلی دیگری در مباحث رجالی همچون سنجش وثاقت و عدالت راوی، تلفظ صحیح نام راوی، نکاتی درباره زندگی، اجداد، فرزندان، سکونت و کتب راوی، بررسی راویان مشترک، بررسی طبقه راوی و وجود نام راوی در سند روایات را نیز مد نظر داشته است؛

۸. محدث قمی در برخی موارد به جمع‌آوری احادیث یک راوی در هنگام شرح حال او توجه کرده که به نوعی تشکیل خانواده حدیث است، از روایاتی که راوی در سند آنها موجود باشد یا روایاتی که در آنها راوی، از نظر مذهب، سجایای اخلاقی، علمی و غیره شرح و توضیح داده شده است؛

۱۱. با بررسی آماری، میزان جرح و تعدیل شیخ عباس قمی در «سفینه البحار» ملاحظه می‌شود که ایشان در مورد وثاقت راویان، سختگیری چندانی ندارد و در تعدیل آنان با تسامح و حُسن نظر عمل می‌کند. به همین دلیل، جرح و قدح راویان در این کتاب بسیار اندک است.

منابع و مأخذ

-قرآن کریم.

۱. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی؛ *مناقب آل أبي طالب (ع)*؛ قم: انتشارات علامه، ۱۳۷۹ق.
۲. ابن غضائری، احمد بن حسین؛ *رجال ابن الغضائری*؛ قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۶۴ق.
۳. اعرجی کاظمی، سید محسن؛ *عدة الرجال*؛ قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۴. بهبهانی، وحید؛ *الفوائد الرجالية*؛ بی جا، بی تا (ب).
۵. _____؛ *تعليقة على منهج المقال*؛ بی جا، بی تا (الف).
۶. جدیدی نژاد، محمد رضا؛ *معجم مصطلحات الرجال و الدراية*؛ چ ۲، قم: انتشارات دار الحديث، ۱۳۸۲ش.
۷. حلّی، ابن داود؛ *رجال ابن داود*؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ق.
۸. خویی، سید ابوالقاسم؛ *درآمدی بر علم رجال*؛ ترجمه عبدالهادی فقهی زاده، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶ش.
۹. _____؛ *معجم رجال الحديث*؛ قم: انتشارات مرکز نشر آثار شیعه، ۱۴۱۰ق.
۱۰. داوری، مسلم؛ *اصول علم الرجال بین نظرية و تطبيق*؛ تحقیق محمد علی صالح المعلم، بی جا: انتشارات نمونه، ۱۴۱۶ق.
۱۱. رحمان ستایش، محمد کاظم؛ *توثیقات عام و خاص*؛ قم: انتشارات دانشگاه قرآن و حدیث، ۱۳۸۷ش.
۱۲. سبحانی، جعفر؛ *کلیات فی علم الرجال*؛ چ ۸، قم: انتشارات موسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۸ق.
۱۳. کمیته علمی کنگره شیخ عباس قمی؛ *شناخت نامه محدث قمی*؛ قم: کنگره شیخ عباس قمی، ۱۳۸۹ش.
۱۴. شوشتری، محمد تقی، *قاموس الرجال*، قم: موسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم، ۱۴۱۹ق.
۱۵. صبحی صالح؛ *علوم حدیث و اصطلاحات آن*؛ ترجمه و تحقیق عادل نادر علی، چ ۲، تهران: انتشارات اسوه، ۱۳۸۳ش.
۱۶. صدر، سید حسن؛ *نهاية الدراية*؛ تحقیق ماجد الغرباوی، تهران: انتشارات مشعر، ۱۳۵۴ش.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن؛ *إعلام الوری بأعلام الهدی*؛ چ ۳، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۹۰ق.
۱۸. طریحی، فخرالدین؛ *جامع المقال فیما يتعلق باحوال الحديث و الرجال*؛ تحقیق محمدکاظم طریحی، بیروت: موسسه التاريخ العربی، ۱۴۳۲ق.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن؛ *الفهرست*؛ نجف اشرف: المكتبة المرتضوية، بی تا.
۲۰. _____؛ *رجال الشيخ الطوسي*؛ نجف اشرف: حیدریه، ۱۳۸۱ق.
۲۱. علامه حلّی، حسن بن یوسف؛ *رجال العلامة الحلّی*؛ قم: دار الذخائر، ۱۴۱۱ق.
۲۲. فتال نیشابوری، محمد بن احمد؛ *روضه الواعظین و بصیرة المتعظین*؛ قم: انتشارات رضی، ۱۳۷۵ش.
۲۳. قمی، شیخ عباس؛ *الفوائد الرضوية فی احوال علماء المذهب الجعفرية*؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۵ش.
۲۴. _____؛ *سفينة البحار و مدينة الحكم و الآثار مع تطبيق النصوص الواردة فیها علی بحار الانوار*؛ چ ۵، تهران: اسوه، ۱۴۲۸ق.
۲۵. کاظمی جزایری، عبدالنبی؛ *حاوی الأقوال فی معرفة الرجال*؛ قم: ریاض الناصری، ۱۴۱۸ق.
۲۶. کجوری شیرازی، مهدی؛ *الفوائد الرجالية*؛ تحقیق محمد کاظم رحمان ستایش، قم: دارالحديث، ۱۳۸۲ش.

۲۷. کشی، محمد بن عمر؛ *رجال الکشی*؛ مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ش.
۲۸. مامقانی، عبدالله؛ *الفوائد الرجالية من تنقیح المقال فی علم الرجال*؛ تحقیق محیی‌الدین مامقانی، قم: موسسه آل‌ال‌بیت (ع)، ۱۴۳۱ ق.
۲۹. _____؛ *مقیاس الهدایة*؛ تحقیق محمدرضا مامقانی، قم: موسسه آل‌ال‌بیت (ع)، ۱۴۱۱ ق.
۳۰. محقق حلی، نجم‌الدین؛ *المعتبر*؛ تحقیق ناصر مکارم شیرازی با همکاران، قم: موسسه سیدالشهدا، ۱۳۶۴ ش.
۳۱. مدیر شانه‌چی، کاظم؛ *درایة الحدیث*؛ ج ۱۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۳ ش.
۳۲. مفید، محمد بن محمد؛ *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۳۳. نجاشی، احمد بن علی؛ *رجال النجاشی*؛ قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم، ۱۴۰۷ ق.
۳۴. نفیسی، شادی؛ *درایة الحدیث (بازپژوهی مصطلحات حدیثی در نگاه فریقین)*؛ ج ۱، تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۹۴ ش.